

شهید یدالله دشت پور



ازتبار علی
سازمان جامع سرواران و دختران شهید استان بوشهر

نام پدر	علی
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۵/۱۵
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۵/۰۷
محل شهادت	کوشک
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	خارگ

زندگینامه

زندگینامه شهید

یدالله در پانزدهم مرداد سال ۱۳۴۴ در خانواده ای مذهبی در جزیره خارگ بدنیا آمد. پدرش علی در جزیره با کاسبی اندکی که داشت به سختی زندگی را اداره می کرد. مادر گرامی و مهربانش فاطمه الهی نام داشت.

شهید یدالله دشت پور دوره ابتدایی را در دبستان رازی و دوره راهنمایی را در آموزشگاه ارشاد طی نمود. شهید دوران متوسطه را در دبیرستان دگتر شریعتی ادامه داد. اخلاق نیک او زبانزد خاص و عام بود و در تمام مراسمات دینی، مذهبی و فعالیت های فرهنگی و اجتماعی شرکت فعال داشت. در دهه محرم لباس سیاه می پوشید و در مراسم عزاداری و سینه زنی شرکت می کرد.

مادر شهید نقل می کند: «هنگامی که در سال سوم دبیرستان رشته تجربی درس می خواند یک روز هنگام ظهر وقتی به خانه آمد سر سفره نهار به پدرش گفت چون جبهه به امثال من نیاز دارد از شما می خواهم که به من اجازه رفتن به جبهه را بدهید پدر پاسخ می دهد هر طور خودتان صلاح می دانید عمل کنید. شهید قبل از اعزام به جبهه با اتفاق برادران و سایر دوستان خود شبانه به یاری پدافند نیروی هوایی می شتافت و به حمل مهمات می پرداخت و روزها نیز به مدرسه می رفت.

او چون فرزند آخر خانواده بود خدا مهر و علاقه خاصی از او در دل پدر و مادر گذاشته بود. موقعی که از مدرسه دیر می گرد نگران می شدند وقتی دید مادر راضی به رفتن او به جبهه نمی شود گفت مادر می خواهم راه پسر دایی ام شهید محمدرضا و احمد رضایا را ادامه دهم. سپس با خنده می گفت: اگر من قسمت تو باشم بر می گردم و اگر خدا مرا طلبیده باشد به راه عزیز زهرا رفته ام. نسبت به خانواده بسیار مهربان بود و کاری نمی کرد که ما از او ناراحت شویم و در بیرون از خانه با دوستان و هم کلاسی هایش هم خیلی خوب بود و گاهی نشد که کسی از او گله و شکایتی داشته باشد.»

در اردیبهشت ۱۳۶۱ با ذوق و شوق بسیار به جبهه رفت چون عاشق جبهه و شهادت بود. یدالله می گفت نمی توانم بگذارم تنگ دوستانم بر زمین بماند.

شهادت

ایشان در تاریخ ۷/۵/۶۱ در عملیات رمضان در منطقه کوشک پاسگاه زید در حالی که بیش از ۱۷ سال سن نداشت بر اثر اصابت ترکش به پایش مجروح گردید و هنگام انتقال به پشت جبهه آمبولانس حامل وی نیز مورد هدف گرفت و منفجر شد و بدینوسیله شربت شهادت نوشید پیکر مطهرش نزدیک یازده ماه حد فاصل نیروهای خودی و دشمن بعضی قرار داشت و پس از ۱۱ ماه مفقود الجسد بودن از روی پلاک شناسایی می شود و در تاریخ ۸/۴/۶۲ در گلزار شهدای میر محمد خارگ به خاک سپرده می شود.

و اینک رسالت ما این است که خون شهدا را پایمال نکنیم و در حفظ ارزش های انقلاب اسلامی که با خون شهدا بدست آمده است کوشا باشیم و احترام به خانواده معظم شهدا سرلوحه زندگی مان باشد.

وصیت نامه

پیام آخر (وصیت نامه شهید یدالله دشت پور)
بگذارید هر چه غم زیاد بشه
نگذارید دشمن خمینی شاد بشه

بدانید و آگاه باشید که من راه خود را انتخاب کرده ام و از قید و بند دنیا رها شده ام. آرزوی شهادت دارم چرا که اساس جمهوری اسلامی بر خون جوانان استوار و پایدار شده است. شما که می مانید قدر امام را بدانید او چراغ روشن راه رستگاری است.

پدر و مادر، نزدیکان و دوستان! در لحظه ای که شما وصیت نامه مرا می خوانید من به آرزوی خود یعنی شهادت در راه خدا و حق رسیده ام. من از آن روزی که دل را از دست داده ام، خویشتن را هم از یاد برده ام نخست از روی دل بر نهج البلاغه (یادگار) آن یکتا مظهر عشق الهی که در سیزده قرن پیش، عاشقانه جان خود را فدا کرد و جهانی را اسیر و شیفته ی خود ساخت بوسه عشق زدم.

آری همان گونه که از آلائش مادیات دامن ما پاک بود و بر بالای آسمان آشیان داشتیم. من شیدازده بال و پر آراسته ام. می خواهم که از این جا تا بهشت برین تا خانه نازنین پیغمبر پرواز کنم.

پدر و مادر و برادر و خواهرم شما گریه نکنید و لباس عزا بر تن نکنید. بلکه خوشحال باشید که در این زمان واقع شده اید.

پدر و مادر، ملتی که آرزویش شهادت است شکست نمی خورد بلکه پیروز است به پسر عموها و پسر دایی ها و دایی ام بگویند که یدالله آرزویش شهادت بود.

وصیت من آن است که در همه حال پارسا و پرهیزگار باشید، خداوند بزرگ را در پنهان و آشکار ناظر و مراقب خود بدانید.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران